

مبانی بینادهنی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۲

الهام رسولی ثانی آبادی*

چکیده

در مکتب سازه‌انگاری، دولت‌ها کنش‌گران اقتصادی نیستند که بر اساس منطق پیامد، رفتار و تصمیم‌گیری می‌کنند، بلکه کنش‌گرانی اجتماعی به شمار می‌آیند که بر اساس منطق تناسب (متناسب با هویت خود) عمل می‌کنند. بنابراین، برای شناسایی یا تبیین سیاست خارجی آنها در نظام بین‌الملل، بایستی ابتدا به منابع بینادهنی شکل‌دهنده به هویتشان توجه کنیم، منابعی که می‌تواند در دو سطح ملی و بین‌المللی بر شکل‌گیری هویت دولت تأثیرگذار بوده و باعث رفتار خاصی از سوی آن شود. هدف اصلی این مقاله، بررسی منابع بینادهنی قوام‌دهنده به هویت نظام جمهوری اسلامی ایران با تمرکز بر سطح داخلی است. منابعی که این نوشتار آنها را به طور کل به دویخس نسبتاً مجزا، اما دارای تأثیر متقابل بر یکدیگر تقسیم می‌کند. بخش اول این منابع شامل هنجارها و آموزه‌هایی است که از فرهنگ مذهبی - اسلامی سرچشمه می‌گیرند و بخش دوم نیز شامل ایستارها و ادراکات موجود در فرهنگ سیاسی ایرانیان است.

کلیدواژه‌ها: هویت، مبانی هویتی، نظام جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ سیاسی

* دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران

مقدمه

در مکتب سازه‌انگاری، دولت‌ها کنش‌گران اقتصادی که بر اساس منطق پیامد، رفتار و تصمیم‌گیری می‌کنند، در نظر گرفته نمی‌شوند، بلکه کنش‌گرانی اجتماعی به حساب می‌آیند که بر اساس منطق تناسب (متناسب با هویت خود) عمل می‌کنند. بنابراین، برای شناسایی یا تبیین سیاست‌خارجی آنها در نظام بین‌الملل، بایستی ابتدا به منابع بین‌ذهنی شکل‌دهنده به هویتشان توجه کنیم. منابع بین‌ذهنی می‌تواند در دو سطح ملی و بین‌المللی بر شکل‌گیری هویت دولت تأثیرگذار بوده و باعث رفتار خاصی از سوی آن شود. این در حالی است که تمرکز بر منابع معنایی داخلی یا سرچشمه‌های درونی هویت دولت، به تحلیل‌گر سیاست‌خارجی کمک بیشتری کرده و وی را متوجه تفاوت‌های موجود در سیاست‌خارجی می‌کند.

منابع معنایی و ساختارهای انگاره‌ای، با تعریف واقعیت برای کنش‌گر، عقلانیت وی را نیز شکل داده و منجر به بروز رفتارها و سیاست‌هایی می‌شوند که تنها به خاطر آنکه متناسب با این ساختارهای معنایی بوده‌اند، ایجاد شده‌اند. رفتارهایی که حتی از دیدگاهی واقع‌گرایانه می‌تواند موجودیت یا امنیت سرزمینی دولت را نیز به خطر اندازد. این ساختارهای معنایی، عواملی چون فرهنگ، قواعد و هنجارها هستند، اموری که هم جنبه شناختی و هم جنبه ارزشی دارند، قلمرو ممکنات را برای کنش‌گر تعریف کرده و به زندگی مادی او معنا و مفهوم می‌بخشند. این ساختارها به هر کنش‌گری می‌آموزد چگونه باید عمل کند، چه کاری می‌تواند انجام دهد و اگر کاری می‌خواهد انجام دهد، با چه محدودیت‌هایی روبروست. از سوی دیگر، توجیه کنش‌گر نیز بر اساس همین هنجارها خواهد بود.

تأکید بر منابع بین‌ذهنی شکل‌دهنده هویت دولت‌ها، نشان می‌دهد هویت امری تاریخی و زمینه‌مند بوده و امری از پیش داده‌شده، آن‌گونه که جریان اصلی روابط بین‌الملل به آن معتقد است، نمی‌باشد. برای همین است که در سازه‌انگاری، هویت‌ها را بایستی کشف کرد، نه آنکه اموری بدیهی و ثابت در نظر گرفت. در اینجا است که کشف هویت‌ها با کشف انگاره‌ها و منابع معنایی شکل‌دهنده به آن در طول تاریخ، گره می‌خورد. انگاره‌ها و منابع معنایی که به گفته کاتزنشتاین، در سطح داخلی شامل هنجارهای شکل‌دهنده و همچنین، هنجارهای تنظیم‌کننده

مبانی بینادهنی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران _____ ۱۷

هستند و نقش بسیار مهمی در قوامبخشی به هویت، منافع و جهت‌گیری‌های کشورها در عرصه نظام بین‌الملل ایفا می‌کنند (Katzstein, 1998:28).

البته، قدرت همه این هنجارها یکسان نبوده و به دو عامل مهم بستگی دارد: اول میزان اشتراک هنجار، یعنی میزانی که هنجار در نظام اجتماعی به طور گسترده میان بازیگران مشترک است و دوم، میزان صراحت و وضوح هنجار یا درجه‌ای که هنجار رفتار مجاز یا غیرمجاز را به طور دقیق تعریف و تبیین می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

به این ترتیب، هدف اصلی این مقاله، بررسی مهمترین منابع معنایی و ساختارهای هنجاری قوام‌دهنده به هویت جمهوری اسلامی ایران و همچنین، نقش‌های هویتی است که این منابع و ساختارها برای این نظام ایجاد می‌کنند. با بررسی این منابع و نقش‌های هویتی مبتنی بر آن، در می‌یابیم که نوع هویت شکل‌یافته برای جمهوری اسلامی ایران، «انقلابی - اسلامی» است، که ناشی از شناخت این نظام از خود بوده و منجر به تعریف مرزهای میان آن و دنیای بیرون می‌شود. این هویت، همچنین نوعی ابزار شناختی و ارزش‌گذاری نیز برای دولت جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با شناخت دنیای خارج ارائه می‌دهد.

این مقاله، در بررسی منابع بینادهنی قوام‌دهنده به هویت نظام جمهوری اسلامی ایران، این منابع را به دو بخش نسبتاً مجزا، اما دارای تأثیر متقابل بر یکدیگر تقسیم می‌کند. بخش اول، شامل هنجارها و آموزه‌هایی است که کاملاً از فرهنگ مذهبی - اسلامی با تأکید بر عنصر شیعی سرچشمه می‌گیرند و بخش دوم نیز شامل ایستارها و ادراکات موجود در فرهنگ سیاسی ایرانیان است. این دو دسته از منابع معنایی با قوامبخشی متقابل به یکدیگر و شکل‌دهی به هویت دولت جمهوری اسلامی ایران، نقش‌های متفاوتی نیز برای این دولت در مواجهه با دنیای بیرون تعریف می‌کنند که به طور مفصل به آنها خواهیم پرداخت.

الف. هنجارهای نشأت‌گرفته از فرهنگ اسلامی

ماکس وبر درباره اهمیت نقش باورهای مذهبی در هویت ملت‌ها بیان می‌کند که انسان جدید حتی با بیشترین حسن نیت نمی‌تواند اهمیت و تأثیر باورهای دینی را در فرهنگ، خصلت و هویت ملی بازشناسد (وبر، ۱۳۷۰: ۱۵۷). بنابراین، هنگامی که از «جمهوری اسلامی»

صحبت می‌کنیم، در وهله نخست، این صفت «اسلامی» است که تعیین‌کننده مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌هاست که نوعی هویت اسلامی برای این کشور را ایجاد کرده و تأثیری بسیار قاطع و تعیین‌کننده بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی این کشور در صحنه نظام بین‌الملل داشته باشد. چرا که در نظام جمهوری اسلامی ایران، جمهوریت را می‌توان مبین شکل نظام سیاسی و اسلامیت را بیانگر محتوای آن دانست (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۱۷۰).

در همین مورد، بسیاری از نویسندگان و تحلیل‌گرانی که به چگونگی وقوع انقلاب اسلامی در ایران پرداخته‌اند، بر نقش قاطع باورهای مذهبی، به خصوص تشیع در شکل‌گیری انقلاب تأکید کرده‌اند و آن را به عنوان یکی از مهمترین منابع هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران عنوان می‌کنند. برای مثال، از نظر هاینس، انقلاب ایران، اولین انقلاب مدرن با محتوای کاملاً مذهبی به شمار می‌رود (Haynes, 2008: 156). البته، در این میان، تحلیل‌گرانی نیز هستند که سرشته‌شدن باورهای مذهبی با روح ایرانی را به مدت‌ها قبل از انقلاب اسلامی پیوند می‌زنند. به عنوان مثال، اشپولر بیان می‌کند که عقاید شیعه دوازده امامی از آغاز پیدایش اسلام، به سرعت با روح ایرانی پیوند زده شد، به طوری که عقیده به حقانیت امامان دوازده‌گانه، از مهمترین عقاید و خصایل ایرانی به شمار می‌رود (اشپولر، ۱۳۷۳: ۳۲۳). به نظر گراهام فولر نیز تشیع آموزه‌ای است که بخش اعظم روحیه ایرانی و هویت آن را تجسم می‌بخشد، تشیع و آموزه‌های آن یکی از خصوصیات است که به دشواری می‌توان آن را از ادبیات سیاسی، اجتماعی و تحلیل سیاست خارجی ایران جدا کرد (فولر، ۱۳۷۳: ۱۷).

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی، به عنوان رهبری این انقلاب، بر بعد سیاسی آموزه‌های اسلامی - شیعی و پیوند دین با سیاست تأکید کرد و در همین راستا، هدف نهایی انقلاب را که به بیان او ماهیتی کاملاً اسلامی داشت، بازگرداندن هویت اسلامی به ایران ذکر کرد (صحیفه نور، ج ۵، ۱۳۶۹: ۱۷۸). بنابراین، اولین وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران آن بود که اسلام و آموزه‌های آن را در همه ابعاد زندگی از جمله سیاست، بی‌کم و کاست پیاده کند. در همین رابطه، امام خمینی (ره) در مورد نقش آموزه‌های مذهبی در تکوین هویت نظام سیاسی جدید ایران، می‌گوید:

«جمهوری اسلامی ایران حکومتی است متکی بر ضوابط اسلام و قانون اساسی آن، اسلام است. متصدیان آن نیز حائز شرایط معین شده در اسلام هستند. بنابراین خطوط کلی این حکومت، اصول مسلم اسلامی است که در قرآن و سنت بیان شده و الگوی رفتاری آن شیوه پیامبر(ص) و امام علی(ع) در حکومت است» (صحیفه نور، ج ۲، ۱۳۶۹: ۱۱۴).

ایشان در جایی دیگر خاطر نشان می‌کند «حکومت جمهوری اسلامی هم یک جمهوری است مثل سایر جمهوری‌ها، لکن مبتنی بر قوانین اسلامی است» (صحیفه نور، ج ۳، ۱۳۶۹: ۴۱). بنابراین، با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، هنجارهای ناشی از فرهنگ اسلامی، به عنوان یکی از مهمترین منابع شکل‌دهنده هویت جمهوری اسلامی ایران، برای این نظام به صورت نوعی ایدئولوژی سیاسی درآمده و علاوه بر تکوین هویتی خاص برای آن، نظام اخلاقی و ارزشی خاصی را نیز برای قضاوت و داوری در مورد سیاست‌ها، اقدامات و رفتارهای این کشور و سایر کشورها ایجاد و تعیین می‌کند (Mirbaghari, 2004: 558). در همین مورد، نظرسنجی‌های مؤسسه گالوپ در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ نشان می‌دهد از ۱۴۳ کشور جهان، ایران به همراه بنگلادش، مصر و هند، به عنوان مذهبی‌ترین کشورها در سطح نظام بین‌الملل شناخته شده است (امین، ۱۳۸۸: ۱۳).

در ادامه مقاله، به بررسی مهمترین هنجارهای هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران که ناشی از فرهنگ مذهبی - اسلامی است، می‌پردازیم و بازتاب آنها را در مواضع اعلامی، قانون اساسی به عنوان مهمترین نظم حقوقی و همچنین، نقش‌هایی که این دولت در صحنه نظام بین‌الملل برای خود تعریف می‌کند، مورد بررسی قرار می‌دهیم. در خلال تبیین هر یک از این هنجارها، به بخشی از بیانات و موضع‌گیری‌های امام خمینی (ره)، به عنوان رهبر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران هم اشاره می‌شود، چرا که مواضع ایشان و نظراتشان می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین منابع هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران، مد نظر قرار گیرد.

۱. تأسیس حکومت جهانی اسلام و گسترش وحدت اسلامی

یکی از مهمترین هنجارهای هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران که از فرهنگ اسلامی-مذهبی ناشی می‌شود، تلاش در جهت وحدت امت اسلامی و ساختن حکومت اسلامی واحد در سرتاسر جهان است. بر اساس فقه اسلامی، نظام بین‌الملل مرکب از واحدهای ملی نیست، بلکه متشکل از دو قلمرو دارالاسلام (به مثابه هسته اولیه امت واحده اسلامی) و دارالکفر است که بر اساس آن، در آینده می‌بایست امت اسلامی واحدی تشکیل شود و با گسترش اسلام، یک کلیت هماهنگ، جایگزین وضعیت فعلی خواهد شد (جوادی ارجمند و چابکی، ۱۳۸۹: ۴۶). بنابراین، برخلاف دیدگاه‌های غربی، در اندیشه‌های اسلامی، امت در مقابل ملت اصالت و اولویت دارد و حفظ آن بر هر مسلمانی واجب است. مبنای شکل‌گیری این امت نیز به جای تعلق سرزمینی، داشتن عقیده، ایمان و راه مشترک است (کیانی، ۱۳۸۶: ۶۷).

امام خمینی نیز به عنوان رهبر انقلاب و بنیان‌گذار نظام سیاسی جدید ایران، قیام برای تشکیل حکومت اسلامی واحد را مهمترین وظیفه هر مسلمانی می‌داند که هیچ عذری برای کوتاهی از آن پذیرفتنی نیست (۱۳۷۷: ۲۶). به بیان ایشان: «ملت‌ها و دولت‌ها اگر بخواهند به پیروزی و سعادت برسند، باید اعتصام به حبل الله کنند و از اختلافات و تفرقه بپرهیزند و فرمان خداوند را مبنی بر واعتصمو بحبل... جمعاً و لا تفرقوا را اطاعت کنند، چرا که التزام به وحدت و هم‌بستگی مسلمانان ریشه در قرآن، سنت نبوی و سیره ائمه معصومین دارد» (صحیفه نور، ج ۶، ۱۳۶۹: ۱۲۲). ایشان همچنین، در راستای این وظیفه الهی، بعد از پیروزی انقلاب، سیاست جدید دولت جمهوری اسلامی را این چنین توصیف می‌کند: «ما بر حسب حکم خدای تبارک و تعالی اخوت خودمان را به همه مسلمین جهان و دولت‌های کشورهای اسلامی در هر کجا که هستند، اعلام می‌کنیم» (صحیفه نور، ج ۱۵، ۱۳۶۹: ۴۷۴). «جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد مطلبی را که قرآن فرموده است، مطلبی را که رسول خدا فرموده است، در همه کشورها پیاده کند و ایران مقدمه آن است، می‌خواهد به همه کشورها بفهماند که اسلام بنایش بر برادری و برابری و وحدت است و همه مسلمین ید واحد هستند» (صحیفه نور، ج ۱۳، ۱۳۶۹: ۲۲۶).

روح الله رضانی در مورد این جهت‌گیری امام می‌گوید:

«آیت‌الله خمینی با طرد نظام بین‌المللی موجود، اساساً آن را به لحاظ فلسفی معیوب و ناقص و از نظر سیاسی ظالمانه می‌دانست. چراکه به نظر ایشان، نظام بین‌المللی به لحاظ فرهنگی و تاریخی ماهیتی کاملاً غربی داشته و مبتنی بر تجزیه واحدهای سیاسی و مرزهای تصنعی است، در حالی که از دیدگاه اسلام می‌بایست امت محور و در جهت ترکیب مجموعه‌های اسلامی باشد» (Ramazani, 1988: 20-22).

بر اساس این آموزه، یکی از مهمترین وظایف دولت اسلامی، از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران آن است که در جهت وحدت مسلمانان، تمامی بشر را به شناخت و تبعیت از تعالیم و دستورات دین اسلام دعوت کرده و با نقش محوری که در جهان اسلام دارد، به توانمندسازی دوباره امت اسلامی و ام‌القرای مسلمانان بپردازد. به عبارت دیگر، طبق این آموزه، جمهوری اسلامی ایران که دولت اسلامی است، می‌بایستی وظایف و تکالیف دولت آرمانی را برعهده گیرد که فراتر از مرزهای سرزمینی و جغرافیایی این کشور و منافع ملی آن بوده و در جهت تکالیف دینی- الهی و منافع اسلامی است.

این هنجار هویتی در بسیاری از مواضع رهبران نظام جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران در در تجویزی سیاست‌گذارانه، خطاب به ملت‌های مسلمان بیان می‌کند که:

«امروز امت اسلامی به شدت نیازمند وحدت اسلامی و بازتولید حقایق اسلامی است، چراکه فقر و بی‌عدالتی و تبعیض در میان امت اسلامی بیداد می‌کند و برای همین ما ملت‌های مسلمان به عنوان امت اسلامی بایستی وحدت پیدا کنیم، حرفمان را یکی کنیم و این وظیفه تک‌تک کسانی است که در این امت بزرگ زندگی می‌کنند و دولت جمهوری اسلامی در این راه پیشقدم خواهد بود» (۱۳۸۸/۱۲/۱۳).

با نگاهی به مواضع و سخنرانی‌های رهبری جمهوری اسلامی ایران، درمی‌یابیم که هنجار تلاش برای وحدت اسلامی، به عنوان یکی از هنجارهای مهم در شکل‌دهی به هویت این کشور، از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و بسیار بر آن تأکید شده است. از مجموع ۳۲ سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در شش ماهه اول سال ۱۳۸۹ و جست‌وجوی مفاهیمی چون وحدت

اسلامی، امت اسلامی و یا حکومت اسلامی واحد، در ده سخنرانی، بر این مفاهیم تأکید بسیار شده و در برخی از آنها حتی این مفاهیم در ثقل مباحث دیگر قرار داشته است. از میان این ده سخنرانی، چهار سخنرانی را به صورت تصادفی انتخاب کرده و دفعات مورد تأکید بر این مفاهیم را در جدول (۱) به صورت شاخص آورده‌ایم.

جدول (۱): وحدت امت اسلامی در بیانات رهبری جمهوری اسلامی در شش ماهه نخست ۱۳۸۹

تعداد دفعات تکرار شده	تاریخ
سه مرتبه و بر اساس آیات قرآنی	۱۳۸۹/۳/۱۴
چهار مرتبه و بر اساس احادیث	۱۳۸۹/۴/۵
پنج مرتبه و بر اساس آیات قرآنی	۱۳۸۹/۴/۱۹
دو مرتبه و بر اساس آیات قرآنی	۱۳۸۹/۵/۲۷

Source: <http://www.leader.ir>

بازتاب هنجار هویتی تلاش برای وحدت اسلامی و حکومت اسلامی واحد را در قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران، به عنوان مهمترین نظم حقوقی حاکم بر این کشور، نیز می‌توان مشاهده کرد. اصل یازدهم این قانون، یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران را این چنین بر می‌شمرد: «به حکم آیه کریمه ان هذہ امتکم واحده و انا ربکم فاعبدون، همه مسلمانان یک امت واحدند و بنابراین دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است تا سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار داده و کوشش نماید تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰: ۳۴۲). علاوه بر این اصل، در مقدمه قانون اساسی نیز بیان شده که با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران، این دولت می‌بایست زمینه تداوم این انقلاب را در خارج فراهم کرده و به ویژه در گسترش روابط با دیگر جنبش‌های اسلامی بکوشد تا امت واحد اسلامی تشکیل شود. از سوی دیگر، تأکید بر تلاش برای وحدت اسلامی به عنوان هنجار هویتی، باعث شده دولت جمهوری اسلامی ایران برای خود نقش‌های متفاوتی همچون «رهبر جهان اسلام» و یا «دولت صادرکننده انقلاب» تعریف کند. در این زمینه، می‌توان به سند چشم انداز ۱۴۰۴ اشاره

کرد که در آن، دولت اسلامی ایران خود را به عنوان الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام معرفی کرده و دیگر دولت‌ها را دعوت می‌کند با استفاده از الگوی انقلابی این کشور، در جهت اصلاح وضع موجود بکوشند (<http://www.Irane>، 1404). در همین ارتباط، آیت‌الله خامنه‌ای رهبری جمهوری اسلامی ایران نیز اعلام می‌کند: «جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا اتحاد مسلمانان و نزدیک کردن دل‌های آنان به یکدیگر را جزو اهداف اصلی خود قرار داده است» (۱۳۸۸/۱۲/۱۳). ایشان همچنین، در موضعی دیگر بیان می‌کند که دولت ایران پرچم بیداری ملت‌های مسلمان را در دست گرفته و آنها را به اتحاد و عزت دعوت می‌کند (۱۳۸۹/۴/۱۹).

بر اساس همین هنجار هویتی بود که جمهوری اسلامی ایران بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با تأکید امام خمینی، خود را به عنوان دولت صادرکننده انقلاب به دنیای بیرون معرفی کرد. طبق برداشت ایشان، انقلاب اسلامی در ایران، اولین مرحله از انقلاب اسلامی فراگیر در سراسر جهان بود و به عنوان مدل دولت انقلابی-اسلامی، بایستی انقلاب خود را به سایر جهان عرضه می‌کرد (Menashri, 1990: 96).

از سوی دیگر، هنجار تلاش برای وحدت امت اسلامی، این برداشت را در رهبران جمهوری اسلامی ایران به وجود می‌آورد که دولت ایران بایستی نقش رهبری جهان اسلام را بازی کند و به عبارت دیگر، ام‌القرای جهان اسلام شود. بر اساس دکترین ام‌القری، اگر کشوری در میان کشورهای اسلامی ام‌القری شد، به نحوی که پیروزی یا شکستش پیروزی یا شکست کل جهان اسلام به حساب آید، در آن صورت حفظ ام‌القری بر هر امر دیگری اولویت دارد (ازغندی، ۱۳۸۱: ۳۶). به بیان امام(ره): «امروز جهان اسلام نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام نمای حل معضلات خویش می‌داند» (صحیفه نور، ۱۳۶۹، ج ۲۰: ۲۶۵). محمدجواد لاریجانی در تأکید بر ام‌القری بودن دولت ایران می‌گوید: «کشوری به عنوان ام‌القرای جهان اسلام می‌تواند مطرح گردد که دارای رهبری لایق باشد، رهبری که لایق رهبری کل امت اسلامی باشد» (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۴۸)، وی سپس اضافه می‌کند که جمهوری اسلامی ایران چه در زمان رهبری امام خمینی و چه در زمان حاضر که تحت ولایت حضرت آیت الله خامنه‌ای است، بدون تردید ام‌القرای دارالاسلام است (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۵۰). وی همچنین، معتقد است موقعیت ایران در جهان اسلام بسیار مهم است و بنابراین، نباید محدود به مرزهای

جغرافیایی خودش باشد، به این معنا که باید دیپلماسی و سیاستش را طوری طراحی کند که با موقعیتش در جهان اسلام هماهنگ باشد. به نظر وی، هیچ کشوری جز ایران نمی تواند رهبری جهان اسلام را بر عهده بگیرد و این یک موقعیت عظیم تاریخی است (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۴۵).

۲. قاعده نفی سبیل و ناوابستگی به نظام سلطه

یکی دیگر از هنجارهای هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران که کاملاً منبث از آموزه‌های اسلامی است، هنجار ناوابستگی به سلطه‌گران و بیگانگان می‌باشد. در این زمینه، دولت جمهوری اسلامی ایران جهت‌گیری سیاست‌ خارجی و مبنای تعاملات خود با دنیای بیرون را بر اساس آیات متعدد قرآنی و قاعده نفی سبیل تعریف می‌نماید. بر اساس قاعده نفی سبیل، ماهیت تعاملات دولت اسلامی با سایر کشورها بر اساس نفی وابستگی تعریف شده و با مسدود شدن راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی، استقلال این جوامع نیز حفظ می‌شود. بنابراین، یکی از تجویزات سیاست‌گذارانه قاعده نفی سبیل برای مسلمانان و دولت‌هایشان این است که آنان بایستی در قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و به ویژه در سیاست‌ خارجی خود، به گونه‌ای عمل کنند که احتمال راه نفوذ بیگانگان بر آنها بسته شود (نخعی، ۱۳۷۶: ۲۰۳).

در ارتباط با هنجار ناوابستگی به بیگانگان که به عنوان یکی از مهمترین هنجارهای هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران درآمده است، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران می‌فرماید:

«اگر روابط تجاری و سیاسی که بین دولت‌های اسلامی و دول بیگانه بسته می‌شود، موجب تسلط کفار بر بلاد و اموال مسلمانان شود یا باعث اسارت سیاسی آنها گردد، برقراری این روابط حرام است و پیمان‌هایی که بسته می‌شود، باطل است و بر همه مسلمین واجب است که زمامداران را راهنمایی کنند و وادارشان کنند بر ترک سیاسی این پیمان‌ها، هرچند به وسیله مبارزه منفی باشد» (صحیفه نور، ج ۱، ۱۳۶۲: ۴۸۵).

در همین رابطه، آیت الله خامنه‌ای نیز ضمن تأکید بر استقلال و عزت دولت ایران، خاستگاه این هنجار هویتی را برخاسته از آموزه‌های اسلامی می‌داند و با اشاره به آیات قرآنی،

می‌گوید: «اسلام و تفکر اسلامی و روح برخاسته از ایمان قرآنی اجازه نمی‌دهد یک ملت اسلامی دچار وابستگی به بیگانگان شود و عزت و آبرویش پایمال شود» (۱۳۸۸/۱۱/۳۰).

قاعده نفی سبیل و ناوابستگی به نظام سلطه، به عنوان هنجار مهم هویتی جمهوری اسلامی ایران، در قانون اساسی نیز بازتاب زیادی دارد. در این زمینه، می‌توان به بند سوم اصل دوم این قانون اشاره کرد که بر اساس آن، جمهوری اسلامی ایران موظف شده است سیاست خارجی خود را بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری پایه‌ریزی کند. در اصول ۱۵۲ تا ۱۵۴ از فصل دهم قانون اساسی نیز صراحتاً به جمهوری اسلامی ایران تأکید شده روابط خارجی خود را بر اساس جهت‌گیری عدم تعهد و نفی هرگونه سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی استوار گرداند و از هرگونه قراردادی که موجب سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر شئون کشور گردد، اجتناب نماید (مدنی، ۱۳۷۰: ۴۳۲). در اصل ۱۴۵ و ۱۴۶ نیز استقرار پایگاه نظامی در داخل خاک دولت ایران و همچنین، استخدام مأمورین و مستشاران خارجی در دستگاه‌های اداری، نظامی و انتظامی، کاملاً منع شده است.

بر اساس این هنجار هویتی که بازتاب آن را به خوبی می‌توان در شعار «نه شرقی، نه غربی»، به عنوان سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران در حوزه روابط خارجی مشاهده کرد، این دولت با تعریف نقش مستقل و غیرمتعهد برای خود، بلافاصله بعد از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، جهت‌گیری سیاست خارجی‌اش را بر پایه عدم تعهد به قطب‌های قدرت جهانی و پرهیز از ائتلاف‌های نظامی دو یا چندجانبه قرار داد و از واگذاری پایگاه‌های نظامی و همچنین، اعطای امتیازهای اقتصادی به قدرت‌های بیگانه امتناع نمود.

از سوی دیگر، با توجه به مواضع اعلامی مقامات جمهوری اسلامی، می‌توان گفت تأکید جمهوری اسلامی ایران بر استقلال و عدم تعهد به قدرت‌های بیگانه، به عنوان هنجار مهم هویتی، جنبه انفعالی نداشته و فعالانه، تجدیدنظرطلبانه و انقلابی است.

به بیان آیت‌الله خامنه‌ای: «رفتار نظام سلطه را به هیچ وجه قبول نمی‌کنیم و در هیچ موضوعی زیر بار سلطه نمی‌رویم، چراکه دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت مستقل همواره خود را مسوول مبارزه با نظام سلطه و خروج از قاعده سلطه‌گر و سلطه‌پذیر می‌داند» (۱۳۸۶/۵/۳۰).

۳. عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی

نامیدن دهه چهارم انقلاب اسلامی به نام دهه «پیشرفت و عدالت» از سوی عالی‌ترین مقام تصمیم‌گیرنده جمهوری اسلامی ایران، نشانگر اهمیت مفاهیمی چون عدالت، عدالت‌خواهی و همچنین ظلم‌ستیزی و مقابله با تبعیض، به عنوان یکی دیگر از هنجارهای مهم هویتی دولت ایران است که الهام‌گرفته از آموزه‌های اسلامی- شیعی است. در این زمینه، رهبران جمهوری اسلامی، با الگوقراردادن سیاست و حکومت علی (ع)، به عنوان اسوه و نماد عدالت شیعی، سعی کرده‌اند اهمیت این هنجار را در جهت‌گیری‌ها و مناسبات داخلی و بین‌المللی خود نشان دهند. آیت‌الله خامنه‌ای با بیان اینکه کسانی که با عدالت مخالفند، با دعوت پیامبر مخالفند و همچنین بیان این نکته که خداوند برای عدالت است که جهاد را واجب کرده است (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۴/۱۹)، عدالت را بالاترین درجه تقوا دانسته و خطاب به مسئولان کشور می‌گویند: «شعار عدالت و ظلم‌ستیزی یک شعار محوری است، یک مطلب اساسی و یک نیاز دولت اسلامی است.... بنابراین، هدف کلان ملت عزیز ما و مسوولان بایستی پیشرفت، عدالت و ظلم‌ستیزی باشد» (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۱/۱).

در جدول (۲) سعی کرده‌ایم اهمیت عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی را به عنوان هنجار مهم هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران، از طریق بررسی بیانات رهبری این نظام، مشخص کنیم. از مجموعه ۳۲ سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در شش‌ماهه نخست ۱۳۸۹ و جست‌وجوی مفهوم عدالت و عدالت‌خواهی و همچنین، ظلم‌ستیزی در این سخنان، به این نتیجه رسیدیم که در اکثر این بیانات، تأکید بر این مفاهیم به عنوان دستورالعمل و راهنمای سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران وجود داشته است.

جدول (۲): عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در بیانات رهبری جمهوری اسلامی

در شش‌ماهه اول ۱۳۸۹

تعداد دفعات تکرار شده	تاریخ
دوازده مرتبه	۱۳۸۹/۱/۱
دو مرتبه	۱۳۸۹/۱/۱۶

دو مرتبه	۱۳۸۹/۱/۳۱
سه مرتبه	۱۳۸۹/۳/۱۴
سه مرتبه	۱۳۸۹/۴/۲
یازده مرتبه	۱۳۸۹/۴/۱۹
ده مرتبه	۱۳۸۹/۵/۲۷
چهار مرتبه	۱۳۸۹/۵/۳۱
ده مرتبه	۱۳۸۹/۶/۸
دو مرتبه	۱۳۸۹/۶/۲۵

Source: <http://www.leader.ir>

هنجار عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بازتاب گسترده‌ای دارد. بند نهم از اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده در راه تحقق اصل عدالت اسلامی، تمامی تلاش خود را به کار بندد و در این راه، از هیچ کوششی فروگذار نکند. علاوه بر این، اصل نوزدهم که راجع به عدالت در امور اجتماعی است، اصل بیستم که راجع به عدالت در اجرای قانون اساسی است و اصل صد و پنجاه و ششم که راجع به عدالت در احکام قضایی است، از اصول دیگری هستند که می‌توان آنها را در ذیل هنجار عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری در نظام جمهوری اسلامی ایران، جای داد.

همچنین، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در راستای هنجار عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، دولت را موظف به حمایت از مستضعفین و نهضت‌های آزادی‌بخش جهان اسلام کرده است. در این مورد، می‌توان به اصل ۱۵۴ قانون اساسی اشاره کرد که در آن، جمهوری اسلامی ایران موظف شده در عین خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی دیگر ملت‌ها، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت کند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰: ۲۱۱). امام خمینی (ره) نیز معتقد بودند ایران می‌بایست از ملت‌های مستضعف جهان و نهضت‌های آزادی‌بخشی که در سراسر جهان در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، حمایت قاطع کند (صحیفه نور، ج ۱۱، ۱۳۶۳: ۲۵۹).

بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران خود را به عنوان دولت عدالت‌خواه، ظلم‌ستیز، ضد استعماری، ضد استکباری و همچنین، حامی مستضعفان و مظلومان به جهانیان معرفی می‌کند، زیرا بر اساس این هنجار هویتی، هر دولت اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران بایستی تمامی تلاش خود را برای ایجاد برابری و رفع هرگونه تبعیضی در هر دو صحنه داخلی و بین‌المللی انجام داده و به عنوان دولت عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز در برابر بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها، هیچ‌گونه سازشی نشان نداده و حتی حاضر به قیام به قسط برای تمامی مسلمانان جهان باشد. به عبارت دیگر، بر اساس این هنجار هویتی است که جمهوری اسلامی ایران در راستای ایجاد نظم جهانی اسلامی، از سلسله‌مراتب موجود در نظام بین‌الملل مشروعیت‌زدایی کرده و آن را به چالش می‌کشد.

از سوی دیگر، هنجار عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی باعث می‌شود دولت جمهوری اسلامی ایران «خود عدالت‌خواهش» را در برابر «دگر استعماری و استبدادی» قرار داده و بدین ترتیب، مرزهای هویتی میان خود و دنیای بیرون را ترسیم کند. در همین زمینه، آیت‌الله خامنه‌ای، بیان می‌کند که: «من بار دیگر اعلام می‌کنم که دولت جمهوری اسلامی ایران با دولت‌هایی که بخواهند با حالت و روحیه استکباری و استعماری با ملت ایران و ملت‌های دیگر مواجه شوند، با شدت مقابله می‌کند» (۱۳۸۹/۱/۱). این بیانات نشان می‌دهد هنجار عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی نیز به مانند هنجار استقلال‌خواهی و نفی وابستگی به بیگانه، به هیچ وجه جنبه انفعالی نداشته و منجر به هویت انقلابی برای دولت ایران در صحنه نظام بین‌الملل می‌شود.

بر اساس این هنجار هویتی، دولت جمهوری اسلامی ایران برای خود نوعی رسالت‌رهایی‌بخش قائل می‌شود و بایستی سعی نماید نقاط مقاومت را در برابر هژمون و نظام بسیج‌نموده و نوعی اتحاد و ائتلاف را در میان نیروهای ضد هژمونیک پیرامونی در نظام بین‌الملل ایجاد کند (دهقانی، ۱۳۸۷: ۳۱۰-۳۳۴). در همین زمینه، می‌توان به یکی از بندهای برنامه چهارم توسعه کشور اشاره کرد که در آن، دولت جمهوری اسلامی ایران خود را به عنوان کشور حامی مسلمانان و نهضت‌های رهایی‌بخش، به ویژه ملت فلسطین، معرفی و حمایت از این جنبش‌ها را به عنوان یکی از وظایف فراملی خود تعریف کرده است (مولانا، محمدی، ۱۳۸۷: ۱۱۰) که صرفاً ناشی از هنجارهای اسلامی از جمله عدالت‌خواهی است.

به بیان آیت‌الله خامنه‌ای: «مسأله فلسطین برای ما یک مسأله عقیدتی است، یک مسأله مرتبط با ایمان است، مسأله‌ای مربوط به وظایف اسلامی ماست» (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۸). از سوی دیگر، بر اساس نوع تفسیری که از هنجار و آموزه عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی می‌شود، حمایت جمهوری اسلامی ایران از جنبش‌های اسلامی - انقلابی، می‌تواند طیف وسیعی از اقدامات را از حمایت‌های لفظی و تبلیغاتی تا حمایت‌های مالی و تسلیحاتی در بر بگیرد. به عنوان مثال، در شرایطی، بر اساس مصلحت نظام اسلامی ممکن است جمهوری اسلامی ایران با تفسیری آرام از این هنجار فقط به حمایت‌های لفظی بسنده کند، در حالی که در شرایطی دیگر و بر اساس تفاسیر رادیکال‌تر، علاوه بر حمایت‌های لفظی و تبلیغاتی، این دولت به سیاست‌های اعمالی و اقدامات عملی نیز روی آورد.

۴. پایداری و مقاومت

پایداری و مقاومت، یکی دیگر از هنجارهای مهم هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران است که کاملاً الهام‌گرفته از آموزه‌های مذهبی دین اسلام، به خصوص گرایش شیعه می‌باشد. بر اساس تأکید بر همین هنجار هویتی است که دولت جمهوری اسلامی ایران به شدت هرگونه مسامحه و سازشی را در برابر فشارها و تهدیدات نظام بین‌الملل، در قبال موضوعات مختلف رد کرده و به سیاست‌های خود در آن زمینه ادامه می‌دهد، چرا که بر اساس این هنجار هویتی، روحیه سازش‌ناپذیری و تحمل مشکلات ناشی از آن برای دولت اسلامی ایران به ارزش بدل شده و بخشی از هویت آن را شکل می‌دهد.

آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران با بیان اینکه اگر معارضی با سعادت انسان و با دعوت حق وجود داشته باشد، اسلام در برابر آن پنجه در می‌افکند و در مقابل آن ایستادگی می‌کند (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۴/۱۹)، اعلام می‌کند که: «ملت مسلمان ایران اگر می‌خواهد به اوج سعادت دنیا و آخرت برسد، بایستی ایستادگی و مقاومت در برابر سختی‌ها و کارشکنی‌ها را سرلوحه اقدامات خودش قرار دهد، چرا که این ایستادگی متکی بر ایمان به خدا و ایمان اسلامی است» (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۱/۷).

از مجموعه ۳۲ سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در شش‌ماهه نخست ۱۳۸۹ و جست‌وجوی مفهوم ایستادگی و مقاومت در این سخنان، به این نتیجه رسیدیم که در اکثر این بیانات، تأکید بر این مفاهیم به عنوان دستورالعمل و راهنمای سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در قبال تهدیدات و فشارهای بیرونی وجود داشته است.

جدول (۳): ایستادگی و مقاومت در بیانات رهبر جمهوری اسلامی

در شش‌ماهه اول ۱۳۸۹

تعداد دفعات تکرار شده	تاریخ
ده بار و با استناد به آیات قرآنی	۱۳۸۹/۱/۱۱
پنج بار	۱۳۸۹/۱/۱۷
چهار بار	۱۳۸۹/۳/۳
سه بار و با استناد به آیات قرآنی	۱۳۸۹/۳/۱۴
چهار بار	۱۳۸۹/۴/۵
سه بار	۱۳۸۹/۴/۷
پنج بار و با استناد به آیات قرآنی	۱۳۸۹/۴/۱۹
هفت بار و با استناد به آیات قرآنی	۱۳۸۹/۵/۲۷

Source: <http://www.leader.ir>

۵. حفظ مصلحت نظام اسلامی

یکی دیگر از هنجارهای مهم هویتی جمهوری اسلامی ایران که نقش بسیار مهمی در جهت‌گیری‌های خارجی آن دارد، حفظ مصلحت نظام اسلامی است، که به گفته مشیرزاده، این هنجار هویتی در زمینه روابط خارجی هر دولت اسلامی از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌الملل و دیگر دولت‌ها، می‌تواند دو نوع جهت‌گیری کاملاً متفاوت را ایجاد کند: یکی آنکه گاهی اوقات بر مبنای این اصل، مصلحت دولت اسلامی ایجاب می‌کند بر اساس ضرورت بقای دولت اسلامی، به تطابق و با پذیرش هنجارهای بین‌المللی، هرچند به

صورت موقت پردازد و دیگری آنکه، گاهی اوقات این مصلحت می‌تواند به معنای حفظ ارزش‌ها و قواعد اسلامی و جلوگیری از نفوذ بیگانگان تلقی شود که در این صورت، برای حفظ این ارزش‌ها می‌توان هنجارهای بین‌المللی را نیز نادیده گرفت (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۳).
به بیان امام (ره):

«حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام اسلامی از امور مهمی است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌شود. امروز جهان اسلام، نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام‌نمای حل معضلات خویش می‌داند، مصلحت نظام از امور مهمی است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان را در زمان‌های دور و نزدیک به زیر سؤال ببرد و اسلام آمریکایی و مستکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنها پیروز گرداند.» (صحیفه نور، ج ۲۰، ۱۳۶۸: ۱۷۶).

بنابراین، طبق این اصل، یکی از مهمترین وظایف دولت اسلامی، از جمله دولت ایران، آن است که در هر دوره، با توجه به در نظر گرفتن حفظ مصلحت نظام، از دو گزینه سیاست‌گذارانه تطابق و پذیرش هنجارهای بین‌المللی و یا نادیده‌گرفتن آنها، یکی را انتخاب کرده و رفتار و سیاست‌خارجی خود را جهت دهد.

ب. شاخص‌ها و ایستارهای فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران

تعیین حدود و همچنین شاخص‌های موجود در فرهنگ سیاسی هر کشور، از جمله جمهوری اسلامی ایران و یا ارثه نمادی از آن، اگر کار غیرممکنی نباشد، بسیار سخت است. از سوی دیگر، شناخت ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگ سیاسی هر کشوری، در تکوین هویت و استمرار آن، نقش مهمی دارد و از این‌رو، بسیار ضروری است. به عبارت دیگر، در سطح ملی، فرهنگ به طور عام و فرهنگ سیاسی به طور خاص، به عنوان نظام باورها و معانی بینادهنی مشترک و کلیت واحد، به هویت هر کشوری در نظام بین‌الملل شکل می‌دهد. در همین زمینه می‌توان فرهنگ سیاسی را یکی از وجوه مهم فرهنگ عمومی دانست که شامل ابعاد سیاسی فرهنگ است. به عبارت دیگر، جنبه‌های خاصی از فرهنگ عمومی جامعه که به زندگی سیاسی

نظر دارد و اصولاً حاصل تجربه تاریخی ملت در برخورد با حوادث و پدیده‌های سیاسی آن است، فرهنگ سیاسی نام دارد (عباسیان، ۱۳۸۷: ۳۱).

بنابراین، فرهنگ سیاسی جوامع، طیف گسترده‌ای از نمادها، ادبیات، هنجارها و اسطوره‌ها را در درون خود حمل می‌کند و عناصر تشکیل‌دهنده آن پویایی‌های خاصی دارند که می‌توانند فضای سیاسی و اجتماعی را دگرگون کنند. از سوی دیگر، در هر دوران نیز جلوه خاصی از فرهنگ سیاسی ظهور می‌یابد، به گونه‌ای که می‌تواند قالب‌های دیگر را کاملاً تحت‌الشعاع خود قرار دهد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۴۲-۴۵).

در این بخش از مقاله با الهام از مهمترین آرا و نظرات موجود در خصوص ویژگی‌های فرهنگ سیاسی ایران، به ارائه فهرستی از این ویژگی‌ها و هنجارهای آنها پرداخته و در صورت لزوم، از رهیافت تمثیلی که نوعی رهیافت روان‌شناسانه به شمار می‌رود (عباسیان، ۱۳۸۷)، استفاده خواهیم کرد. در کنار این روش سعی خواهیم کرد از نتیجه بررسی‌های مؤسسه مربوط به افکارسنجی عمومی در ارتباط با ویژگی‌های فرهنگ سیاسی مردم ایران نیز استفاده کنیم. در همین زمینه، بررسی مؤسسه افکار عمومی جهانی^۱ در سال ۲۰۰۹، نشان می‌دهد ظلم‌ستیزی، مبارزه با تبعیض و حمایت از مستضعفان، مهمترین دغدغه ایرانی‌ها در مسائل جهانی است که به نحوی ریشه در فرهنگ سیاسی آن‌ها دارد (Kull, 2009: 24-25).

۱. استقلال‌خواهی ناشی از تجربه تاریخی

گراهام فولر، استقلال‌خواهی ایرانیان را از یک طرف محصول احساس ذاتی ناشی از فرهنگ غنی و امپراطوری باشکوه گذشته و از طرف دیگر، ناشی از وابستگی و حتی فقدان امنیت ملی ناشی از شکست‌های خفت‌آور و سلطه بیگانگان در طی قرون گذشته می‌داند (فولر، ۱۳۷۳: ۱). طبق این گفته، می‌توان بخش اعظم حساسیت ایرانیان نسبت به حفظ استقلال خود و همچنین، نسبت به مداخله قدرت‌های خارجی را که از سوی تحلیل‌گران غربی به بیگانه‌هراسی تعبیر شده است، ناشی از هجوم بیگانگان به خاک ایران و همچنین، توطئه دولت‌های خارجی در جهت حفظ نفوذ خود در آن دانست. در این زمینه، می‌توان به

1. World Public Opinion Institution

قراردادهایی چون ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ و همچنین، معاهداتی نظیر گلستان و ترکمنچای که در طول قرن نوزدهم و بیستم، به واسطه حضور قدرت‌های استعماری، به ویژه فرانسه، انگلیس و روسیه به ایران تحمیل شد، اشاره کرد که همگی تأثیر بسزایی در ایجاد ذهنیت آسیب‌پذیری از حضور بیگانگان و تقویت حس استقلال‌خواهی در ایرانیان داشته است.

به عبارت دیگر، قرارگرفتن ایران در موقعیت جغرافیایی و ژئوپلتیک بی‌نظیر باعث شده این کشور همواره در طول تاریخ مورد توجه قدرت‌های بین‌المللی و در معرض طمع و تهدید، مداخله و تجاوز آنها قرار گیرد و همین ذهنیت وجود عنصر خارجی، باعث ایجاد نوعی بیگانگی‌ستیزی و حس استقلال‌خواهی در ایرانیان و فرهنگ سیاسی آنها شده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۲۳). بنابراین، حساسیت ایرانیان نسبت به استقلال کشورشان، برخاسته از احساس ریشه‌دار تاریخی و جزئی از فرهنگ سیاسی آنهاست (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۴۷). در ادامه به ارائه مهم‌ترین شاخص‌هایی می‌پردازیم که هریک از آنها به نوعی نشان‌دهنده این ویژگی فرهنگ سیاسی ایرانیان می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که در مورد وجود حس استقلال‌خواهی ایرانیان می‌توان به آن اشاره کرد، ستایش، تمجید و یا بزرگ‌نمایی سیاست‌مدارانی است که در طول تاریخ معاصر این کشور در جهت حفظ استقلال و اعمال سیاست عدم تعهد در روابط خارجی تلاش کرده‌اند. سیاست‌مدارانی که در باورهای سیاسی ایرانیان به عنوان اسطوره‌هایی ملی بازنمایی می‌شوند. میرزا تقی‌خان امیر کبیر یکی از این افراد است که رییس جمهور پیشین ایران در کتاب خود وی را قهرمان مبارزه با استعمار و نماینده راستین استقلال‌خواهی در ایران خوانده است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۴۶: ۴۵). امیرکبیر کسی بود که برای اولین بار در دوران کوتاه صدراعظمی خود، اصل عدم تعهد را به طور جدی در سیاست خارجی ایران معمول ساخت و هدف این اصل را حفظ استقلال ایران در برابر انگلیس و روسیه که در آن زمان بیش از سایر کشورها باعث نگرانی بودند، اعلام کرد (Ramazani, 1966: 63).

سید حسن مدرس نیز از نخبگانی است که در تاریخ معاصر ایران مظهر و نماد استقلال‌خواهی و مبارزه با استعمار شناخته شده و از این‌رو، بسیار مورد احترام و اکرام ایرانیان می‌باشد. وی نیز که به مانند امیرکبیر بر ضرورت سیاست عدم تعهد در روابط خارجی ایران

تأکید داشت، معتقد بود این سیاست که البته او از آن به عنوان «سیاست موازنه عدمی» یاد می‌کرد، چه از نظر تاریخی و چه به لحاظ جغرافیایی و اقتصادی، در جهت منافع و مصالح ایرانیان است و آنها می‌بایست آن را چه در شرایط صلح و چه در شرایط جنگ، در روابط خارجی خود اعمال کنند (ازغندی، ۱۳۸۹: ۲۰۸). در کنار امیرکبیر و مدرس، مصدق نیز با طرح شعار «ایرانی باید خانه خودش را خودش اداره کند»، از سیاستمدارانی است که در ذهن تاریخی مردم ایران به عنوان نماد استقلال‌خواهی و بانی ملی‌شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹، بسیار مورد تمجید و تحسین قرار گرفته است. به گفته مصدق، ایرانی باید خود را به آن درجه از استقلال برساند که هیچ چیز جز مصلحت ایران و حفظ دین و تمدن محرکش نباشد و چنانچه ایرانیان نتوانند در اداره امور کشور خود آزادی عمل داشته باشند و بیگانگان آنها را به هرسویی که می‌خواهند بکشند، مرگ بر چنان زندگی ترجیح داشته و مسلم است که ملت ایران هرگز زیر بار چنین ننگی نمی‌رود (ازغندی، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۴).

دومین شاخص مهمی که می‌توان از آن به عنوان نشانه‌ای از حس استقلال‌خواهی ایرانیان نام برد، مخالفت با اکثر قراردادهایی است که در طول تاریخ از جانب قدرت‌های خارجی (انگلستان، روسیه)، به دولت ایران پیشنهاد می‌شد. در این زمینه، می‌توان به جنبش تنباکو و مخالفت ایرانیان با امتیازنامه مربوط به آن و همچنین، مخالفت با دیگر قراردادها و امتیازات و اگذار به غرب، از جمله قرارداد ۱۹۱۹ که ایران را کاملاً به انگلستان وابسته می‌کرد، اشاره کرد. در کنار مخالفت با این قراردادها، ملی‌کردن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ نیز به رغم اعمال فشارهای انگلستان، نماد و نشانه‌ای از استقلال‌خواهی ایرانیان است.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران، سومین شاخص استقلال‌خواهی ایرانیان است. این استقلال‌خواهی، هم در ایجاد انقلاب نقش بسیار مهمی داشته و هم یکی از اهداف اصلی آن معرفی شده است. در تأیید گفته اول می‌توان به تحلیل روح‌الله رضوانی در این زمینه اشاره کرد که به گفته او، وقوع انقلاب در ایران در سال ۱۳۵۷، به همان اندازه که مبین مخالفت ملت ایران با سیاست‌های داخلی شاه بود، نشان از ناخرسندی از سیاست خارجی او هم داشت، چرا که محور حمله مخالفان شاه به سیاست خارجی او را انتقاد از اتحاد عملی او با ایالات متحده تشکیل می‌داد و از همین رو، به او لقب شاه آمریکایی داده بودند (رضوانی، ۱۳۸۶: ۴۶).

در تأیید گفته دوم نیز می‌توان به محور اصلی شعارهای انقلاب، که همگی بر قطع وابستگی از قدرت‌های غربی و استقلال همه‌جانبه ایران تأکید داشتند، اشاره کرد.

مهمترین شعارهای استقلال‌طلبانه ایرانیان در انقلاب اسلامی

«استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»
«نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»
«نه شاه می‌خوایم نه بختیار، رهبر می‌خوایم با اختیار»
«استقلال، استقلال، این است ندای قرآن»

یکی دیگر از جلوه‌های استقلال‌خواهی در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران، بی‌اعتمادی به غرب و در رأس آنها ایالات متحده است.

به بیان فولر، در فرهنگ سیاسی ایران، ایالات متحده به مثابه عمده‌ترین نیرویی که قدرت ایران را در منطقه به چالش می‌کشد، باقی خواهد ماند و طبق این برداشت، سیاست‌مداران ایرانی بایستی تمامی سعی خود را در جهت مقابله با سیاست‌های این کشور در جهت فریب کشورشان انجام دهند (فولر، ۱۳۷۳: ۲۸۵).

با نگاهی به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران می‌توان به راحتی نشانه‌هایی از این بی‌اعتمادی به غرب (به خصوص دولت آمریکا) را مشاهده کرد. در جدول زیر به مهمترین این سخنان خواهیم پرداخت.

جدول (۴): غیرقابل اعتماد بودن دولت آمریکا در بیانات

رهبر جمهوری اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای

تاریخ	غیرقابل اعتماد بودن دولت آمریکا
۱۳۸۸/۸/۱۲	آمریکا مستکبر و دروغ‌گوی به تمام معناست، اگر بخواهیم برای جنایات این کشور علیه ایران فهرست درست کنیم، یک کتاب می‌شود.

۱۳۸۸/۱۲/۸	بدنامی آمریکاییان و غیرقابل اعتماد بودن آنها هیچ‌گاه بر طرف نخواهد شد.
۱۳۸۹/۱/۱	اگر آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها می‌توانستند نیرو وارد خیابان‌های تهران کنند، به یقین بدانید که می‌کردند.
۱۳۸۹/۱/۱	آیا وقتی رییس جمهوری آمریکا دست دوستی به سمت ما دراز می‌کند، واقعاً این یک نیت دوستانه است یا یک نیت خصمانه در قالب الفاظ فریبکارانه؟
۱۳۸۹/۴/۱۹	دروغ می‌گویند آمریکایی‌ها و دیگران که می‌گویند ما جنگ می‌کنیم برای اینکه امنیت بدهیم.
۱۳۸۹/۵/۲۷	آمریکا هیچ وقت در مذاکراتش با ایران صادق نبوده است.

Source: <http://www.leader.ir>

انگاره بی‌اعتماد به غرب، به خصوص آمریکا به عنوان یکی از ویژگی‌های فرهنگ سیاسی، در میان عامه مردم ایران نیز به شدت وجود دارد. در جداول بعدی سعی خواهیم کرد با استفاده از نتایج به دست آمده از «مؤسسه افکارسنجی عمومی جهانی»، این امر را نشان دهیم.

جدول (۵): لطفاً بگویید کدام یک از کشورهای زیر عمدتاً نقش مثبتی در جهان دارند؟

(ایرانی‌ها در ۲۰۰۸/۱۲/۶)

آمریکا	چین	ایران	فرانسه	روسیه	انگلستان	
۹ درصد	۵۵ درصد	۸۳ درصد	۴۲ درصد	۴۴ درصد	۲۱ درصد	عمدتاً مثبت
۷۵ درصد	۱۱ درصد	۳ درصد	۳۶ درصد	۳۵ درصد	۶۰ درصد	عمدتاً منفی
۷ درصد	۱۲ درصد	۸ درصد	۹ درصد	۸ درصد	۷ درصد	بستگی دارد
۱ درصد	۳ درصد	۱ درصد	۲ درصد	۲ درصد	۱ درصد	هیچ کدام

Source: <http://www.publicopinion.org>

جدول (۶): نظر خود را در مورد ایالات متحده بیان کنید

۲۰۰۸/۱۲/۶	۲۰۰۸/۲/۸	ایرانیان
۵ درصد	۷ درصد	خیلی موافق
۱۷ درصد	۱۷ درصد	موافق
۳ درصد	۷ درصد	نمی دانم
۱۱ درصد	۱۸ درصد	مخالف
۶۵ درصد	۵۱ درصد	خیلی مخالف

Source:<http://www.publicopinion.org>

جدول (۷): تضعیف و ایجاد تفرقه در جهان اسلام (ایرانی‌ها در ۲۰۰۸/۲/۸)

۶۹ درصد	کاملاً هدف قطعی آمریکا است
۱۵ درصد	احتمالاً هدف آمریکا است
۴ درصد	احتمالاً هدف آمریکا نیست
۳ درصد	مطلقاً هدف آمریکا نیست
۱۰ درصد	نمی دانم

Source:<http://www.publicopinion.org>

جدول (۸): چقدر به این امر اعتقاد دارید که رییس جمهوری آمریکا، باراک اوباما در مورد امور

جهانی بهترین کار را انجام می‌دهد؟ (ایرانیان، ۲۰۰۹)

۲ درصد	خیلی زیاد
۱۴ درصد	تا حدودی
۱۴ درصد	خیلی اعتماد ندارم
۵۷ درصد	اصلاً اعتماد ندارم

Source:<http://www.publicopinion.org>

البته، نتایج تحقیقات مختلف، نشان می‌دهد ایرانیان علاوه بر آنکه نگاهی منفی نسبت به کشورهای غربی دارند، نسبت به نظام بین‌الملل نیز دارای همین نگاه هستند و آن را کاملاً ظالمانه و ناعادلانه قلمداد می‌کنند و خواهان نوعی تجدیدنظرطلبی در سلسله‌مراتب نظام بین‌الملل‌اند. در این زمینه، می‌توان به تحقیقی که توسط دانشجویان دکتری دانشگاه علامه طباطبایی به انجام رسیده، اشاره کرد که بر اساس نتیجه آن، از ۲۵۰ نفر از پرسش‌شوندگان در سال ۱۳۸۶ که شامل گروهی از دانشجویان، بازاریان و همچنین، تعدادی از کارمندان وزارت امورخارجه می‌شدند، بیش از ۳۴ درصد آنها، نظام بین‌الملل را کاملاً ناعادلانه و ظالمانه دانسته‌اند که می‌بایست در جهت عادلانه‌شدن هرچه بیشتر سوق داده شود (سلیمی، ۱۳۸۸: ۱۰۳).

جدول (۹): تا چه حد با این جمله موافقت می‌کنید: نظام بین‌الملل امروزی ناعادلانه است؟

کاملاً موافق	موافق	تا اندازه‌ای	مخالف	کاملاً مخالف
۳۴ درصد	۱۲ درصد	۳۰ درصد	۱۴ درصد	۱۰ درصد

۲. آرمان‌گرایی

سومین ویژگی برجسته فرهنگ سیاسی ایرانیان، آرمان‌گرایی است که نویسندگان و تحلیل‌گران مختلف، با توجه به برداشت و دیدگاه خود، این مفهوم را به جهان‌گرایی، مطلوب‌گرایی، خودمحوری، تعریف موسع از نقش و منافع ملی، بلندپروازی و در نهایت، افراط‌گرایی معنا کرده‌اند. البته، به نظر می‌رسد مفهوم آرمان‌گرایی نیز می‌تواند واجد همه این معناها و برداشت‌ها شود. به عنوان مثال، فولر در توضیح آرمان‌گرایی ایرانی بیان می‌کند که سابقه و قدمت ایران به عنوان قدرت بزرگ، باشکوه و توانمند، با تاریخ و تمدن کهن، این ذهنیت و اعتقاد را در رهبران و مردم ایران به وجود آورده است که این کشور از مرکزیت و جایگاه ممتاز و والایی در نظام بین‌الملل برخوردار است و این تصور و تلقی از خود بر اساس

سایه گذشته، منجر به نوعی خودبزرگ‌بینی، عدم ارزیابی دقیق واقعیت‌ها و در نهایت، خودباوری در شکل خوش‌بینانه در فرهنگ سیاسی ایران می‌شود (فولر، ۱۳۷۳: ۳۴-۳۵).

کاپوزینسکی، آرمان‌گرایی موجود در فرهنگ سیاسی ایرانیان را با نوعی تجدید نظر طلبی همراه می‌داند. به نظر وی، آرمان‌گرایی ایرانیان در قالب تحلیلی توماس هابز می‌گنجد، چراکه نخبگان ایرانی و گروه‌های اجتماعی، روحیه‌ای افراطی دارند که بر اساس آن، موجودیت خود را در دگرگونی و تغییر جست‌وجو می‌کنند. به نظر وی، ایران در تمامی مقاطع تاریخی قبله‌گاه ناراضیان بوده و ساختارشکنی در فرهنگ سیاسی این کشور نهادینه شده و منجر به حمایت دائمی از جنبش‌های انقلابی و گروه‌های ناراضی شده است (Kapuscinski, 1988: 205).

بنابراین، در حالی که فولر و کاپوزینسکی آرمان‌گرایی ایرانیان را نوعی افراط‌گرایی، بلندپروازی و خودمداری معنا می‌کنند که در قالب گرایش برای پیشی‌گرفتن بر امکانات عملی تجلی یافته است، تحلیل‌گران ایرانی برداشت دیگری از آن ارائه می‌دهند. برای مثال، مصلی‌نژاد، آرمان‌گرایی در فرهنگ سیاسی ایرانی را نوعی نگرش جهان‌گرایانه و روح کمال‌گرایی می‌داند که باعث جست‌وجو برای یافتن شکل آرمانی پدیده‌های مورد نظر است و ریشه در قالب‌های فلسفی، مثل افلاطونی و آرمان‌گرایی ایرانی دارد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۶۴). به نظر وی، هیچ دورانی از تاریخ را نمی‌توان یافت که جامعه ایرانی فاقد آرمان‌های سیاسی بوده باشد. وی این امر را ناشی از روح انتقادی ایرانیان نسبت محیط پیرامون می‌داند. این روح انتقادی سبب می‌شود گروه‌های اجتماعی همواره تلاش کنند محیط سیاسی داخلی و بین‌المللی را با نشانه‌هایی از شاخص‌های آرمانی خود مورد سنجش قرار دهند. این در حالی است که آرمان‌گرایی ایرانیان با جلوه‌هایی از ایران‌شهری پیوند یافته و در نتیجه، می‌تواند نشانه‌هایی از روح مطلوب‌گرای ایرانی را منعکس سازد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۳۱۶).

تفسیر دیگری که می‌توان از آرمان‌گرایی ایرانی داشت، نوعی احساس مسئولیت و مراقبت نسبت به دیگر ملت‌ها در خارج از مرزهای جغرافیایی است که گاهی از آن به عنوان تعریف گسترده از منافع و همچنین، گسترش نقش ملی نیز یاد می‌شود. در این زمینه، می‌توان به یافته‌های پیمایش دفتر طرح‌های ملی که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ۲۸ استان ایران در سال ۱۳۸۷ انجام شده است، اشاره کرد (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲: ۲۰۱).

جدول (۱۰): به چند موضوع اشاره می‌کنم بگویید با کدام یک از آنها موافق و یا مخالفید؟

(ایرانی‌ها، ۱۳۸۷)

نگرش	حمایت از مستضعفان دنیا	آزادی قدس	برقراری حکومت اسلامی در جهان	مبارزه با آمریکا
مخالف	۱۲/۱ درصد	۷/۲ درصد	۹/۳ درصد	۲۲/۵ درصد
مردد	۷/۹ درصد	۸/۹ درصد	۱۰ درصد	۱۳/۵ درصد
موافق	۸۰ درصد	۸۳/۹ درصد	۸۰/۷ درصد	۶۴ درصد
تعداد پاسخ معتبر	۴۵۰۳	۴۳۹۹	۴۳۷۵	۴۳۲۱

تأکید بر اقتدار ملت ایران، از دیگر نمودهای آرمان‌گرایی در فرهنگ سیاسی ایرانیان است که نمونه آن را می‌توان در برخی از سخنان رهبری جمهوری اسلامی دید. در جدول (۱۱)، به بخشی از مهمترین عباراتی که بر توانایی و اقتدار ملت ایران تأکید دارد، می‌پردازیم.

جدول (۱۱): اقتدار ملت ایران در بیانات رهبر جمهوری اسلامی ایران

تاریخ	تأکید بر اقتدار ملت ایران
۱۳۸۸/۱۱/۱۹	ملت ایران شایسته رسیدن به قله‌هاست.
۱۳۸۸/۱۲/۸	ما از آمریکا قوی‌تریم، در حالی که امکانات سیاسی و مالی این کشور بیشتر است، ولی او از ما ضعیف‌تر است.
۱۳۸۹/۱/۱	امروز دولت ایران آن چنان ابهت و اهمیتی در چشم کشورها برخوردار است که حتی دشمنان ما هم به آن اعتراف می‌کنند.
۱۱۳۸۹/۴/۵	اقتدار حقیقی، حق ملت ایران است و هیچ کس نمی‌تواند ملت ایران را از راهی که در پیش گرفته است، منصرف کند.

Source: <http://www.leader.ir>

سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ دولت جمهوری اسلامی ایران، یکی دیگر از مهمترین شاخص‌های آرمان‌گرایی ایرانیان است. در این سند، جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که دارای جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی، شامل آسیای میانه، منطقه قفقاز و خاورمیانه است، بازنمایی شده و یکی از مهمترین و آرمانی‌ترین اهدافی که برای خود ترسیم کرده است، آن است که در طول بیست سال، خود را با توجه به منابع و ظرفیت‌های علمی، به قدرت درجه اول در منطقه خاورمیانه تبدیل کند. همچنین، جمهوری اسلامی ایران در این سند خود را به عنوان کشور مؤثر در جهان اسلام و همچنین، کشوری که دارای جایگاه نخست در میان کشورهای اسلامی منطقه و همسایه است، معرفی کرده که می‌بایست الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام بوده و با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی و توسعه کارآمد، تأثیرگذار بر هم‌گرایی اسلامی و منطقه‌ای باشد (جعفری ارجمند، ۱۳۸۸).

آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در مورد توانایی دولت ایران در رسیدن به اهداف این سند، می‌گویند: «نباید به کم قانع شد و از آرمان‌ها دور ماند. آنچه همواره باید مدنظر باشد، چشم‌انداز بیست‌ساله است، این چشم‌انداز کاملاً عملی است. ما ملت ایران می‌توانیم در ظرف بیست سال کشورمان را به نقطه اوج و قله‌ای که این چشم‌انداز ترسیم کرده برسانیم و این شدنی است» (بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۵/۷). در واقع، میان ویژگی‌های فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نوعی رابطه قوام‌بخش وجود دارد که باعث تقویت یکدیگر می‌شود. به عنوان مثال، استقلال‌خواهی ناشی از تجربه تاریخی ایرانیان، از یک سو به انگاره عدم اعتماد به غرب آنها دامن می‌زند و از سوی دیگر، آرمان‌گرایی را تقویت می‌کند. به طور متقابل، آرمان‌گرایی ایرانیان و عدم اعتمادشان به غرب نیز، استقلال‌خواهی‌شان را تقویت می‌کند.

این در حالی است که میان ویژگی‌های فرهنگ سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مهمترین منابع بینادذهنی قوام‌دهنده به هویت این کشور و همچنین، هنجارهای نشأت‌گرفته از فرهنگ اسلامی-شیعی نیز این رابطه قوام‌بخش و هم‌تکمیلی وجود دارد. به عنوان مثال، هنجارهایی چون تلاش برای وحدت اسلامی، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، ایستادگی و مقاومت، آرمان‌گرایی موجود در فرهنگ سیاسی ایرانیان را تقویت کرده و به طور متقابل نیز آرمان‌گرایی موجود در این فرهنگ سیاسی، به تقویت این هنجارها کمک می‌کند.

نتیجه گیری

از منظر سازه‌انگاری، برای شناسایی و تبیین رفتار دولت‌ها در نظام بین‌الملل، بایستی قبل از هر چیز به هویتی که این کشورها برای خود تعریف کرده‌اند، توجه داشت. در این مقاله، برای شناخت هویت شکل‌گرفته در نظام جمهوری اسلامی ایران، سعی کردیم به بررسی منابع بینادهنی و ساختارهای انگاره‌ای قوام‌دهنده به این هویت در سطح داخلی بپردازیم. این منابع، با تعریف هویتی خاص برای دولت جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر آنکه شکل‌دهنده عقلانیت این دولت و واقعیت تعریف‌شده برای آن هستند، به ترجیحات و منافعش نیز در تعامل با دنیای خارج شکل می‌دهند.

شناخت همین منابع بینادهنی است که می‌تواند نشان دهد چگونه دفاع از هویت می‌تواند دغدغه اصلی سیاست خارجی هر دولت، از جمله جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل شود و چگونه رویه‌هایی خاص برای این دولت در صحنه داخلی و بین‌المللی امکان‌پذیر و مشروع می‌گردند، در حالی که همین رویه‌ها برای دیگر دولت‌ها، ناممکن و غیر قابل تصور هستند. به این ترتیب، منابع بینادهنی با تکوین هویتی خاص برای جمهوری اسلامی ایران و مشخص کردن کیستی آن، مرزهای هویتی آن با دنیای بیرون را ترسیم کرده و به منافع و اولویت‌هایش در حوزه‌های مختلف سیاست خارجی، از جمله هسته‌ای، شکل می‌دهند.

در این مقاله، منابع معنایی قوام‌دهنده به هویت جمهوری اسلامی ایران را به دو بخش کلی قواعد و هنجارهای نشأت‌گرفته از فرهنگ اسلامی و همچنین، ایستارهای موجود در فرهنگ سیاسی، تقسیم و بیان کردیم که این ساختارهای معنایی، علاوه بر آنکه دارای رابطه قوام‌بخش و تأثیرگذار بر یکدیگرند، با ایجاد نقش‌های خاص هویتی و همچنین، تجویزات سیاست‌گذارانه خاص، هویت جمهوری اسلامی ایران و برداشت آن از خود و دنیای بیرون را شکل می‌دهند. با مرور این ساختارهای معنایی و تجویزات سیاست‌گذارانه موجود در آنها، شاید بتوان به این نتیجه رسید که هویت شکل‌گرفته در جمهوری اسلامی ایران نوعی هویت «انقلابی-اسلامی» است که نقش‌های متفاوتی برای جمهوری اسلامی ایران تعریف و موجب می‌شود این دولت بر اساس هنجارهای هویتی خود، خواهان نوعی تجدیدنظرطلبی و جایگزینی وضع سلسله‌مراتبی موجود در نظام بین‌الملل با نظم جهانی اسلامی و عادلانه باشد.

منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۸)؛ روابط خارجی ایران در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، تهران: قومس.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹)؛ چهارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۱)؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۳)؛ تاریخ ایران در نخستین قرن اسلام، مترجم: جواد فلاطوری، تهران: علمی و فرهنگی.
- امین، حسن (۱۳۸۸)؛ «آگاهی تاریخی و هویت ملی»، ماهنامه تخصصی - پژوهشی پادنگ، ش ۵۹.
- «بیانات رهبری در سال ۱۳۸۹» (۱۳۸۹) در www.leader.ir (۱۳۸۹/۴/۱۲).
- «بیانات رهبری در سال ۱۳۸۸» (۱۳۸۹) در www.leader.ir (۱۳۸۹/۷/۱).
- «بیانات رهبری در سال ۱۳۸۶» (۱۳۸۹) در www.leader.ir (۱۳۸۹/۷/۱).
- جعفری ارجمند، محمد جواد (۱۳۸۸)؛ «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای»، فصلنامه سیاست، ش ۱، صص ۶۷-۹۱.
- خمینی، روح ... (۱۳۷۸)؛ صحیفه نور، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح ... (۱۳۷۷)؛ ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح ... (۱۳۶۲)؛ تحریر الوسیله، قم: انتشارات اسلامی.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۶)؛ «هویت و منافع در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، در منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۸)؛ «منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۳، صص ۲۲۱-۲۴۵.
- رمضانی، روح ... (۱۳۸۶)؛ چهارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مترجم: علیرضا طیب. تهران: نشرنی.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۸)؛ «رویکرد سازه‌انگاران به زمینه‌های اجتماعی روابط ایران و آمریکا»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ش ۲، صص ۹۳-۱۲۰.
- کیانی، داوود (۱۳۸۶)؛ منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۹)؛ مقولاتی در استراتژی ملی، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.

مدنی، جلال (۱۳۷۰)؛ حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: همراه.
مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵)؛ «تحلیل سیاست خارجی ایران از منظر سازه‌نگاری» در *نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
مصطفی‌نژاد، عباس (۱۳۸۷)؛ *فرهنگ سیاسی ایران*، تهران: فرهنگ صبا.
نخعی، هادی (۱۳۷۶)؛ *توافق و تزاخم منافع ملی و مصالح اسلامی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
ویر، ماکس (۱۳۷۰)؛ *اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری*، مترجم: عبدالمعبود انصاری، تهران: سمت.
هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۴۶)؛ *امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار*، قم: فراهانی.

- Haynes, J. (2008); "Religion and Foreign policy Making in the USA, India and Iran", **Third World Quarterly**, Vol. 29, No. 1, pp.143-165.
- Katzenstein, P (1998); **Cultural Norms and National Security: Police and Military in Japan**, New York: Cornell University Press.
- Kull, S (2009); "Most People Think Theirs Nations Foreign Policy" in www.WorldPublicopinion.org, (4/11/2009).
- Mirbaghari, F (2004); "Shiism and Iran's Foreign policy", **The Muslim World**, Vol 94, No 3, 555-570.
- Ramazani, R. K (1986); **Revolutionary Iran: Challenge and Responses in Middle East**, Baltimore: The John Hopkins University Press.
- Ramazani, R.k. (1990) "Iran's Export of Revolution" in **The Iranian Revolution: its Global Impact**, Maimi: Florida University.